

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۳۰

جمعه ۲۴ مهر ۱۳۹۴، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

سلیمانیه به بغداد وصل میشود!

رکورد تازه دزدیهای حکومتی!

جنگ نرم غرب و جنگ سخت مردم با حکومت!

صفحه ۵

یک پرش از عبدال گلپریان:

درباره اوضاع سیاسی و اعتراضات در کردستان عراق

صفحه ۶

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اعتراضات توده ای مردم کردستان

عراق

حکومت کردستان عراق فاسد و شکست خورده است

صفحه ۷

نزاع ها و کابوس ها

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

جایگاه اقتصاد در جمهوری اسلامی

(پس از توافقات هسته ای)

استوار بود که با توافق هسته ای "گشایش" قابل توجهی در موقعیت اقتصادی جامعه ایجاد خواهد شد. معضلات اقتصادی عدیده جامعه که گویا "تحریم اقتصادی" علت اللعل اساسی این معضلات بوده بر طرف گشته و جامعه روزهای بهتری را به لحاظ اقتصادی شاهد خواهد بود. این سیاست در عین حال سیاست مدافعی بی شرم و حیای صفحه ۲

دارد. "جالب است، خطر بازگشت رکود"! گویی دوران "رونقی" هم داشته اند! اما مستقل از خزعبلات اسلامی بخصوص در شرایط حاضر، پس از توافق هسته ای، اشاره کرد.

توهامات اقتصادی

بخشی قابل ملاحظه ای از تبلیغات جناح روحانی، رفسنجانی در پیش از توافق هسته ای با کشورهای ۱+۵ بر این چهارچوب

علی جوادی

اخیرا شیخ حسن روحانی در "همایش بین المللی سیاست های صنعتی و تجاری برای توسعه صادرات و اشتغال" به معضلات اقتصادی حکومت اسلامی اشاره کرده است. هشدار داده است که باید مشکلات اقتصادی و تولید حل شود. گفته است در غیر این صورت "خطر بازگشت به رکود وجود

"بوی بد" نزدیکی با آمریکا!

حمید تقوایی

صفحه ۸

دولت اردوغان باید سرنگون شود!

سندیگاههای انقلابی کارگران، اتحادیه پزشکان ترکیه، اتحادیه صنفی مهندسان و معماران ترکیه، کانون وکلای آزادیخواه و تعداد زیادی نهاد غیر دولتی فراخوان داده شده بود. مردم به خیابان آمده بودند تا به جنگ و لشکرکشی و جنایات دولت اردوغان اعتراض کنند و بر صفحه ۴

روز گذشته بیش از ۱۰۰ نفر کشته شده و ۱۶۰ نفر مفقود شده اند و صدها نفر بشدت مجروح شده اند. تظاهرات آنکارا با شعار "کار، دموکراسی و صلح" توسط احزاب و نیروهای چپ از جمله حزب دمکراتیک خلقها، حزب کار ترکیه، کنفدراسیون سندیکاهای کارگران بخش عمومی، کنفدراسیون

جنایت فجیع و وحشیانه در آنکارا در روز ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر)، جامعه جهانی را شوکه کرده است. مردم بلافاصله بعد از این جنایت به خیابان آمدند و در صفوف دهها هزار نفره شعار دادند ما قاتلین را میشناسیم. و اشاره شان به اردوغان و حزب حاکم بود. در جریان دو انفجار در تظاهرات

همایش هولناک شیرخوارگان حسینی



وقاحت می گوید امسال این برنامه را علیه آل سعود و کودک کشی آنها برگزار می کنیم! "در کشورهایی مانند پاکستان، ترکیه، نیجریه، صفحه ۳

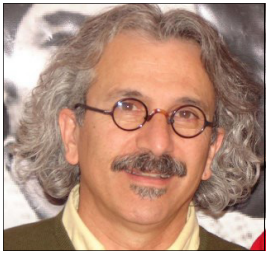
تبلیغات و رقابتهای جنگی جمهوری اسلامی، امسال در ابعاد به مراتب بزرگتری طراحی شده است. قرار است در دومین روز ماه محرم برابر با جمعه ۲۴ مهرماه با بسیج سراسری و مخارج بسیار هنگفت، در ۳۵۰۰ نقطه در داخل و خارج کشور، این مراسم برگزار شود. قرار است با پوشاندن لباسهایی متناسب به فرزند نوزاد سومین امام شیعیان (علی اصغر) و شیون و زاری کردن، تبلیغات مورد نظر خود را پیش ببرند.

داوود منافی پوردبیر "مجمع جهانی حضرت علی اصغر" با

سیامک بهاری

یک هفته پس از روز جهانی کودک، که جمهوری اسلامی تمام دستگاه امنیتی اش را بخطر کرد تا مانع برگزاری وسیع آن شود و حقوق زیر پا گذاشته شده کودکان مطرح نشود. یکی از ارادل و اوپاش بسیجی اش طرح بغایت کودک ستیزانه، ضد انسانی و ارتجاعی "همایش شیرخوارگان حسینی" را اعلام کرد.

این برنامه ضد کودک در سیزدهمین سال اجرای خود با توجه به وضعیت سیاسی منطقه و



جایگاه اقتصاد در جمهوری اسلامی

(پس از توافقات هسته ای)

از صفحه ۱

رژیم اسلامی در صفوف آپوزیسیون پرو رژیم، جریان‌های رنگارنگ ملی - اسلامی، نیز بوده است.

اما این تبلیغات عوامفریبانه زمانیکه معلوم شد توافقات هسته ای در دسترس است و احتمال تحقق آن بیشتر از احتمال شکست آن است، تغییر قابل ملاحظه‌ای کرد. مبلغین رژیم به یکباره تلاش کردند تا توقعات و انتظارات جامعه و مردم را در این زمینه کاهش دهند. اکثر اشارات به این سو بود که نباید انتظار یک زندگی بهتری را در فردای این توافقات داشت. گویی تاریخ بسادگی تکرار شده است، اما این بار بصورتی کمی. موسوی اردبیلی رئیس قوه قضاییه رژیم اسلامی در فردای قبول طرح آتش بس سازمان ملل در جنگ ارتجاعی ایران و عراق، در نماز جمعه با وقاحتی بی حد و حصر اعلام کرد: «انتظار نداشته باشید که حالا که جنگ تمام شده یک شکم سیر چلوکباب بخرید». و پس از آن بود که قتل عام وحشتناک شهریور ۶۷ را سازمان دادند. این بار هم بخشی از تبلیغات ارتجاعی رژیم در کنار گسترش اعدام‌ها در زمینه مدیریت توقعات مردم متمرکز شده است. سیاست کنونی رژیم اسلامی در شرایط کنونی هم تشابهات معینی با سیاست دوره پس از قبول قطعنامه سازمان ملل دارد، هر چند که رژیم اسلامی در شرایطی نیست که دیگر بتواند فاجعه خونینی که در شهریور ۶۷ آغاز کرد، را، تکرار کند. نه رژیم در آن چنان شرایطی است و نه جامعه در شرایطی است که اجازه دهد این فاجعه خونین تکرار شود.

اکنون نیز، پس از تصویب توافقات هسته ای در مجلس، سیاست‌های این راستا استوار شده است که وعده دور جدیدی از رکود و انقباض اقتصادی را به جامعه بدهند. تلاش کنند که هر گونه

انتظار و توقعی را در فردای عملی شدن توافقات هسته ای کور کنند. صحبت‌های روحانی در همایش سیاست‌های صنعتی و تجاری در این راستا است.

واقعیت این است که کارنامه اقتصادی رژیم اسلامی چیزی جز تحمیل فقر و فلاکت گسترده و چپاول اموال مردم در این چند دهه نبوده است. کشوری با نیروی انسانی ماهر، با منابع طبیعی گسترده و در آمد سرشار نفتی، کشوری غنی، اما جامعه‌ای که فقر در آن گسترده است، بخش عظیمی از جمعیت زیر خط فقر زندگی میکنند، و شکاف طبقاتی در این چند دهه ابعاد وحشتناکی بخود گرفته است. مساله کماکان این است که هرگونه بهبودی در زندگی مادی مردم تنها می‌تواند نتیجه مبارزه گسترده و متحدانه خود توده کارگر و زحمتکش در جامعه باشد. اما اقتصاد چه جایگاه ویژه‌ای در جمهوری اسلامی دارد؟

اقتصاد زیر بنای الاغ است!

این جوهر سیاست جمهوری اسلامی در زمینه اقتصاد است. خمینی فورموله کننده این سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی بود، اقتصاد زیر بنای الاغ است. این سیاست نشان دهنده جایگاه و اهمیت موقعیت اقتصادی مردم در سیاست عمومی حکومت اسلامی است. در این حکومت هرگونه توهم به بهبود شرایط اقتصادی جامعه سم است. معضلات اقتصادی جامعه مساله این اوباش اسلامی نیست. از زمان خمینی یکسره تکلیف خود را به هرگونه بهبود اقتصادی و مادی و زندگی مردم روشن کردند. اما اگر اقتصاد زیر بنای الاغ است نتیجتاً سؤال این است که پس سیاست اقتصادی رژیم اسلامی کدام اهدافی را دنبال میکنند.

واقعیت این است که اهداف رژیم اسلامی از اقتصاد تماماً سیاسی

اند. سیاست اقتصادی رژیم اسلامی همان اهدافی را دنبال میکنند که سیاست عمومی رژیم اسلامی دنبال میکند. به عبارت دیگر اقتصاد اهرمی در جهت پیشبرد اهداف سیاست حکومت اسلامی است. اگر سیاست عمومی و پایه ای رژیم اسلامی مساله بقا حکومت در هر شرایطی است، نتیجتاً سیاست اقتصادی آن هم تنها و تنها در همین راستا معنی میدهد. سیاست و اقتصاد جایگاه یکسانی در حاکمیت رژیم اسلامی دارند. اقتصاد اهرمی برای بقای رژیم اسلامی است. اما چگونه؟

رژیم اسلامی از ابتدای شکل گیری با معضل بقاء مواجه بوده است. با مردمی مواجه بوده است که نمی‌خواهندش، مختصات زندگی و توقعاتشان از زندگی با معیارها و سنن کثیف اسلامی خوانایی ندارد. با جامعه‌ای مواجه بوده‌اند که از هر فرصتی برای خلاصی از شر این اوباش اسلامی استفاده کرده است. این موقعیت سیاسی جامعه ویژگی روشنی به وجه غالب سیاست در حکومت اسلامی داده است. سرکوب، اعدام، شکنجه، زندان، سانسور، تحمیل، عوامفریبی مولفه‌های گوناگون سیاست رژیم اسلامی است. تماماً برای بقا. این هدف اول و آخر رژیم اسلامی است. اقتصاد هم چنین جایگاهی در رژیم اسلامی دارد. سیاستی برای تضمین بقای رژیم اسلامی است. و در این چهارچوب تفاوت‌چندانی میان جناح‌های رژیم اسلامی وجود ندارد. هر دو جناح میدانند که هرگونه بهبود زندگی مادی و اقتصادی جامعه تنها می‌تواند به تقویت موقعیت مردم و جامعه‌ای که در کمین رژیم اسلامی نشسته است تمام خواهد شد. از این رو خود توهمی ندارند. بی‌جهت نیست که می‌بینیم که با هرگونه تلاش برای بهبود زندگی مادی جامعه با چنگ و دندان مقابله میکنند. حقوق کارگر

را ماهها پرداخت نمیکنند. با هر درجه افزایش دستمزدها، حتی بر مبنای نرخ توهم اعلام شده خودشان، به شدت مقابله میکنند. برای این اوباش تحمیل موقعیت فلاکت اقتصادی بر توده مردم کارگر و زحمتکش از همان اهمیتی برخوردار است که سرکوب اعتراضات روزمره جامعه. اقتصاد ابزار دیگری در کنار قوه سرکوب رژیم، در کنار سپاه و ارتش و بسیج و سایر اوباش رژیم اسلامی است. این جایگاه ویژه اقتصاد در حاکمیت جمهوری اسلامی علاوه بر سیاست عمومی «اقتصاد زیر بنای الاغ است».

این سیاست اقتصادی در عین حال ارتباط ارگانیک با الگوی عمومی سرمایه داری در کشوری مانند ایران دارد. کشوری که کارگر ارزان و خاموش از مختصات عمومی اقتصاد آن است. در این الگوی اقتصادی سرمایه داری ویژگی اقتصادی جامعه نه توان بالای تکنولوژیک، نه قدرت بالای دانش فنی و نوآوری تکنیکی بلکه اساساً نیروی کار ارزان است که با سرکوب گسترده ارزان هم باید نگاه داشته شود.

اقتصاد و رابطه با آمریکا و غرب

آیا جناح روحانی - رفسنجانی سیاست متفاوتی را دنبال میکنند؟ آیا تلاش برای بهبود مناسبات با آمریکا و غرب در عین حال تلاشی برای بهبود موقعیت اقتصادی رژیم اسلامی نیست؟ واقعیت این است که هر درجه تغییر جلی در موقعیت اقتصادی رژیم اسلامی به حل و تغییر مسائل گرهی عدیده‌ای در سیاست و موقعیت رژیم اسلامی گره خورده است. به اعتباری معضل اقتصادی رژیم اسلامی اساساً معضل ادواری و دوره‌ای یک اقتصاد سرمایه داری در بحران در دوره حاضر نیست. معضلی شبیه به معضل اقتصادی مکزیک و آرژانتین

و یونان نیست. اقتصاد در جمهوری اسلامی با مسائل ویژه‌تر و حاد تر و در عین حال سیاسی تری روبرو است.

جمهوری اسلامی به لحاظ موقعیت سیاسی - ایدئولوژیک و منطقه‌ای اش کشوری در خارج از سلسله مرادوات بین المللی اقتصادی قرار داده شده است. جمهوری اسلامی حوزه صدور سرمایه نیست. حوزه صدور کالا هست، اما نه حوزه صدور سرمایه. این حکومت فاقد روینای سیاسی مناسب برای سرمایه گذاری گسترده است. جمهوری اسلامی حوزه صدور دانش فنی و تکنولوژی نیست. جمهوری اسلامی دسترسی گسترده و ساده‌ای به بازار جهانی ندارد.

به اعتباری معضل اقتصاد در ایران سیاسی است. ناشی از موقعیت ویژه سیاسی. ایدئولوژیک حکومت اسلامی و تخصیقات این نیرو با آمریکا و کل دول غربی است. ناشی از موقعیتی است که جمهوری اسلامی و به اعتباری موقعیت اقتصادی در خاورمیانه با آن مواجه است. درمان آن هم سیاسی است. اما حتی اگر درمانی در چهارچوب مناسبات سرمایه داری متصور

باشد، این راه حل تا زمانیکه حکومت اسلامی پابرجاست بنا به دلایل پایه‌ای که ذکر شد، قابل تصور نیست. هرگونه تغییر و تحولی در این چهارچوب به فردای پس از سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است. از این رو معضل اقتصادی رژیم اسلامی ناشی از بن بست و فلج اقتصادی است که با آن دست به گریبان است.

تلاش برای بهبود مناسبات با غرب و مشخصاً با آمریکا یک رکن پلانترم ائتلاف روحانی - رفسنجانی است، اما در همین چهارچوب مساله اساسی تر از اقتصاد، مساله سیاست در حکومت اسلامی است. واقعیت این است که جمهوری

همایش هونناک شیرخوارگان حسینی

از صفحه ۱
اروپا، آمریکا، بحرین، عراق، کویت، عربستان، عمان، قطر، لبنان، نیجریه، سیرالئون، گینه بیسائو، تانزانیا، لیبیریا، آمریکا، آلمان، انگلیس، کانادا، ترکیه، آذربایجان، پاکستان، هند، افغانستان، روسیه، اکراین، مالزی، فیلیپین، استرالیا، تایلند، بنگلادش و ... برگزار می‌شود.

دو رژیم جنایت پیشه که هرکدام در کودک ستیزی و اجرای قوانین ضد کودک از دیگری جنایتکارترند به جان هم افتاده اند، هرکدام با تبلیغات زهرآگین ایدئولوژیک با تاریخ سازی جعلی از درگیری رو در رو در جبهه های جنگ تا تبلیغات جنگ سردی علیه هم عریده می کنند.

این همایش بار دیگر نه تنها رویکرد کودک ستیزانه جمهوری اسلامی بلکه بی حقوقی و بی پناهی کودکان در ایران را با زمختی هر چه بیشتر به نمایش می گذارد.

جمهوری اسلامی با اجرای این قبیل نمایشات در پی عملی کردن نقشه های پلید سیاسی خود و فرزبردن جامعه در اوام تاریخی مستعجل با مستمسک قرار دادن کودکان شیرخوار است. پروژه های "شیرخوارگان حسینی" و "شیرخوارگان بسیجی" قدمتی طولانی در اجرای این نقشه ها دارند. طبق تاریخ سازی تشیع، کشتن کودکی به نام علی اصغر در هزار و اندی سال پیش توسط سرداران جنگی بنی امیه، بهانه ای کشدار به قدمت قرون اعصار برای ادامه جنگ ایدئولوژیک بی انتهایی شده است که حالا جمهوری اسلامی قافله سالاران است و امسال با مضمون "کودک کشی آل سعود" قرار است بنی امیه را به آل سعود وصل کند و جنگ و لشکر کشی نیابتی در یمن و سوریه و عراق و بحرین و ... را با این بهانه توجیه کند.

همانقدر بمب های آل سعود کودک می کشد و خانه بر سر مردم خراب می کند که بمب های بشکه ای بشارالاسد و موشک های اهدایی جمهوری اسلامی زندگی مردم را منهدم میکند، خانه و کاشانه

میلیونها نفر را از هم می پاشد و کودکان را می کشد. در همایش هونناک شیرخوارگان حسینی، موضوع آل سعود بهانه ای بیش نیست! موضوع اصلی خشونت ذاتی جمهوری اسلامی و کودک ستیزی سیستماتیک این حکومت است.

هزینه این نمایش غیر انسانی بخشی از بودجه جنگ سردی جمهوری اسلامی است. در سراسر کشور مادرانی که اغلب از وابستگان حکومتی اند را بسیج میکنند، به طرق مختلف تتمیع و راضی و یا با فریب و بازی کردن با احساسات عقب مانده مذهبی آنها، این معرکه گیری تهوع آور را برگزار می کنند.

گریه و شیون، بکارگیری ضدکودک ترین روشها برای نمایشات مذهبی بخشی از فرهنگ ارتجاعی جمهوری اسلامی در معرکه گیریها و تعزیه گردانی های رایج است. رژیم برای تمامی این کودک آزاری سیستماتیک بودجه و هزینه کافی وجود دارد. بخش بزرگی از دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی اساسا در خدمت این اهداف ضد بشری است.

در این همایش کودک شیرخوار را به کجا می برند؟ در مقابل چشمان حیران این کودکان شیرخوار عده ای از جمله مادر، مشغول زاری و ندبه و به سر زدن هستند. خشونت و توحش از همه لحظات این مراسم فجیع می بارد. هر از چندی مادری کودکش را روی دست به هوا بلند میکند و برای قربانی کردن به پای امام هدیه میکند! این حقیقت تلخ بی حقوقی کودک در نظام جمهوری اسلامی است. از شیرخوارگی باید این خشونت ذاتی حکومتی را آموزش داد! به وقت خودش صادق خان محصولی وزیر میلیارد در گفته بود، اگر مهد کودکها شهید تربیت نکنند باید تعطیل شوند.

حق کودک برای شادی و بازی و امنیت چه میشود؟ چرا جمهوری اسلامی برای رفاه کودکان برنامه و همایش و رفع موانع ندارد؟ چرا مهد کودکهای مدرن، با امکانات کافی برای رشد و تعالی کودک در دستور

کار حکومت نیست؟ در کجای دنیا کودک شیرخواره را در یک نهاد نظامی به نام بسیج ثبت می کنند؟! کارت بسیج شیرخوار صادر می کنند؟! این اقدامات به هیچ عنوان نمادین و سمبلیک نیست! این بخشی از مغز شویی و سر باز گیری حکومت با بکارگیری رذیله ترین شیوه های دستبرد به حقوق کودکان است.

در پی اجرای این مراسم، در سالهای متمادی چندین نهاد بین المللی مدافع حقوق کودکان به جمهوری اسلامی اعتراض کردند. نهاد کودکان مقدمند کمپینی طولانی مدت برای ممانعت از اجرای آن پیش برد. این صرفا یک مراسم مذهبی عقب مانده نیست، تاکید رسمی و دولتی بر زیر پا گذاشتن آگاهانه و عامدانه حقوق کودکان است.

بردن کودکان به چنین مراسمی قطعا و بدون هیچ اغمازی باید اکیدا ممنوع گردد. کسی حق ندارد کودکان شیرخواره را مستمسک اهداف سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی قرار دهد.

جمهوری اسلامی برای برگزاری چنین مراسم های هونناکی که جرم سنگین جنایی محسوب می شود، بعنوان بانی و آمر اجرای خشونت سازمان یافته باید در دادگاههای صالحه بین المللی محاکمه گردد. این یک نمایش کامل از تبلیغ و اجرای خشونت و ایجاد فضای وحشت برای کودکان است و باید بیدرنگ تعطیل شود.

در خارج کشور اگر جمهوری اسلامی جرأت چنین کاری را بخود بدهد باید این مراسم را بر سرش خراب کرد و برگزار کنندگان و شرکت کنندگان را افشا و تحویل دادگاه داد. وزارت خارجه کشورهای اروپایی بویژه در این باره باید با هوشیاری عمل کنند و با ممانعت رسمی از اجرای چنین مراسمی، عذر این "دیپلمات" های وحشی و ضد کودک را بخواهند.

در حالی که بخش وسیعی از مردم ایران زیر بار بحران اقتصاد جنگی رژیم هست و نیست شان به باد می رود و فقر و حاشیه نشینی و سوء تغذیه شیوع رسمی و علنی می یابد، جمهوری اسلامی با دهن کجی

عامدانه و بی آنکه اندک مسئولیتی در قبال این وضعیت فاجعه بار بعهد بگیرد، هزینه نگهداری از کودکان و رسیدگی به آنها را خرج تبلیغات جنگ سردی اش می کند.

بیکاری و حاشیه نشینی، بیسوادی و محرومیت از تحصیل، سوء تغذیه در ابعاد میلیونی موضوعیتی برای این حکومت ندارد. بی پروا اذعان میکنند که: بنا به خبر ایرنا (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴): به گفته دکتر علی اکبر سیاری معاون بهداشت وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی "هیجده درصد کودکان ایرانی، دچار سوء تغذیه شدید هستند و ۴۷ میلیون ایرانی غذای نامناسب مصرف می کنند. این امر موجب بروز سوء تغذیه در جمعیت زیادی از کشور شده است، در این بین کودکان بیش از همه، در معرض خطر سوء تغذیه هستند کمبود برخی ریزمغنی ها از سالهای گذشته در کشور، چند برابر شده است."

این اعتراف هونناک هنوز بارها کمتر از حقیقت دردناک موجود است. یک ماه بعد خبرگزاری عصر ایران در خردادماه ۹۴ آمار سوء تغذیه شدید کودکان در ایران را منتشر کرد که بر اساس آن حدود ۸۰۰ هزار کودک زیر ۶ سال ایرانی از سوء تغذیه شدید رنج می برند که حدود یک چهارم کل کودکان ایرانی در این سن است.

نیازی به تاکید نیست که عدم رشد مغزی کودکان تا شش سالگی سبب تخریب اساسی مغز می گردد و بطور برگشت ناپذیری کودک برای همیشه صدمه جدی می بیند. درآمد ناچیز خانواده، گرانی و بیکاری مهیبی که به جان مردم افتاده است، یکی از عوامل موثر در دچار شدن کودکان به سوء تغذیه است.

اما این فقدان که فقط بعد غذایی و کمبودهای پروتئینی را نشان میدهد بخشی از حقیقت هونناکی است که کودکان در جمهوری اسلامی به آن دچارند.

محمد مهدی زاده معاون آموزشی سازمان نهضت سوادآموزی با وقاحت کم نظیری می گوید: "۲۷ درصد کودکان ایرانی، خارج از چرخه تحصیل قرار دارند."

به این رقم چند صد هزار کودک بی هویت و بی شناسنامه افغانستانی و سایر مهاجرین را هم باید اضافه کرد. هنوز هیچ آمار مستندی از وضعیت سوء تغذیه، ترک تحصیل و کار حرفه ای کودکان در شهرها و روستاهای کشور موجود نیست. بیش از هفت میلیون دانش آموز از چرخه تحصیل بازمانده اند.

به گزارش شهروند در "همایش ملی رشد و تکامل همه جانبه کودک"، در همین روزها، در ۲۰ مهر ماه امسال پاسدار علی ربیعی وزیر کار فاش می کند که فقط در سال گذشته ۲۰۰ هزار مادر دچار سوء تغذیه بوده اند. یعنی با حساب سرانگشتی، ۲۰۰ هزار خانوار با آمار آقای وزیر گرفتار فقر غذایی و گرسنگی مطلق هستند! این آمار هم هنوز بخشی کوچک از حقیقتی عظیم و مهیب را بیان می کند. بحران سلامتی کودکان در ایران نمودار و بارومتری است که از وضعیت فلاکتبار کل جامعه خبر میدهد.

گزارش تکان دهنده دیگری نشان میدهد به دلیل سوء تغذیه، ۵۰ درصد کودکان در سه استان ایلام، بوشهر و کرمان با معضل کم وزنی، کوتاهی قد و کاهش اندازه دور سر، دچارند. بنا به اعلام وزارت بهداشت، استانهای هرمزگان، بوشهر، کهگیلویه، سیستان و بلوچستان، کرمان، بویراحمد، خوزستان و ایلام بعنوان هفت استان دچار ناامنی غذایی معرفی شده اند!

آنوقت حکومت اسلامی ایران وقیحانه همایش شیرخوارگان حسینی برپا می کند! گرسنگی و فقر میلیونها شیرخوار و کودک در کشور را زیر عبای گریه و شیون و زاری برای فرزند امام سوم شیعیان که حتی به روایت های معتبر وجود خارجی هم نداشته است و بخشی داستان سر هم شده عاشورا و بازار مکاره تجار دین است پنهان می کند تا صورت مسئله وخامت وضعیت کودکان در کشور را بیوشاند. جنایات بیشمارش در داخل کشور و سراسر جهان و شراکت در نسل کشی همراه بشارالاسد را ماستمالی می کند.

تامین غذایی و مالی خانواده

جایگاه اقتصاد در جمهوری اسلامی

از صفحه ۲

اسلامی مدتهاست که با يك بحران حکومتی لاینحل مواجه است. مساله چگونگی بقای حکومت مساله هر روزه سیاست است. منشاء بحران حکومتی ناشی از این واقعیت ساده است که جامعه حکم به رفتنش داده است. رژیم که مختصاتش با جامعه ناخوانایی دارد همواره دچار بحران حکومتی است، همواره دچار يك معضل پایه ای حکومتی است.

در اینجا به يك مساله بنیادی شکاف جناحها در حاکمیت اسلامی می‌رسیم. يك جناح بر سیاست نزدیکی با آمریکا و غرب تاکید مدام دارد و در مقابل جناح دیگر بر طبل ضد آمریکایی گر کور خود

میکوبد و بقای خود را بر ادامه این سیاست می‌بیند. این دعوا در دوران اخیر موجب شکافها و حتی رو در رویی های آشکار و پنهانی در بالاترین صفوف رژیم اسلامی شده است. خط و نشان کشیدن خامنه ای و ابابش سپاه در مقابل باند روحانی و رفسنجانی گوشه ای از این واقعیت است. این دعوا ظاهری و صوری نیست.

جناح روحانی-رفسنجانی بر این باور کودناهند که کلید بقایشان در دست غرب و چگونگی برخورد غرب با رژیم اسلامی است. بر این باورند که اگر مناسبات با غرب را بهبود بخشند، میتوانند موقعیت خود را در جامعه نیز مستحکم کنند و شاید بتوانند نقطه سازشی

دولت اردوغان باید سرنگون شود!

از صفحه ۱

است. این حمله در راستای سیاست سرکوب و ایجاد فضای رعب و وحشت حکومت اردوغان و حزب اسلامی اوست. حزب اسلامی اردوغان با این حمله در پی همان اهدافی است که با یورش به تظاهراتی توده ای قیام گزی، با بمبگذاری و قتل عام "سروج"، با حزب دمکراتیک خلقها در دیار بکر، با محاصره شهرها، گروگان گرفتن مردم و حمله نظامی و قتل عام در کردستان ترکیه و با حمایت از نیروهای سیاه اسلامی همچون داعش و النصره و تجهیز آنان در سوریه، دنبال میکنند. این حمله ترویرستی امتداد سیاست پلیس ویژه اردوغان است که در روز ۴ اکتبر پس از به اسارت در آوردن "حاج لقمان بیرلیک" در شهر شیرناک و در حالیکه زخمی بود با شلیک ۲۸ گلوله او را وحشیانه به قتل رساند و جسد وی را با طناب به پشت زره پوش بست و در شهر گرداند و برای ارباب مردم ویدیوی آن را در مدیای اجتماعی به نمایش در آورد.

در خارج ترکیه نیز اردوغان به دنبال عروج به عنوان يك قدرت منطقه ای در تقابل و رقابت با کمپ جمهوری اسلامی-اسد- روسیه است. تشکیل کاتونهای خودگردان در کردستان سوریه و مقاومت

میان خود و رژیم اسلامی ایجاد کنند. بر خلاف دوران خاتمی که سیاست عمومی شان برای بقا توسط حجابیان اینطور فورموله شده بود که "فشار از پائین و چانه زنی در بالا". این سیاست به شکست کشیده شد. در عین حال دیدند که هرگونه تکیه بر "پایین" زدن سیاست قابل اتکایی نیست، بازی با آتش است. مردمی که به خیابان می آیند، مشت در آسمان گره میکنند، حرف دل خودشان را میزنند و به "انتظارات بالا" واقعی نمیگرداند.

در مقابل جناح خامنه ای و کل جناح راست این پرخش استراتژیک را سیاستی مرگبار برای رژیم اسلامی میدانند. میدانند که دست کشیدن از سیاست تاکنونی شان، موقعیت شان را در کل جنبش اسلامی دچار مخاطرات جبران

قهرمانانه زنان و مردان کویانی و دیگر کاتونهای روزاوا در مقابل داعش و دیگر نیروهای اسلامی در تقابل و تضاد با این سیاستها قرار دارند. اردوغان با ایجاد فضای نا امن و هرج و مرج در ترکیه به دنبال تشدید عملیات نظامی خود علیه نیروهای ایوزیسیون کردستان از جمله پ ک ک و بسط دادن این حملات به کردستان سوریه و تشکیل "منطقه امن" برای حمایت گسترده تر از نیروهای اسلامی تحت نفوذ خود در نوار مرزی میان ترکیه و سوریه است.

واکنش مرم و نیروهای آزادیخواه، برابری طلب و چپ، تظاهرات گسترده دهها هزار نفری بلافاصله پس از این حمله در آنکارا، استانبول، دیاربکر، ازمیر، مولا و دیگر شهرها و همینطور فراخوان اتحادیه های کارگری و نهادها و کانونهای صنفی به اعتصاب عمومی در روزهای ۱۲ و ۱۳ اکتبر نشانه فضای اعتراضی حاکم در ترکیه و شکست سیاست ارباب اردوغان و دولت اسلامی او و آغاز اضمحلال آن است.

ترکیه به دوره قبل باز نمیگردد. اردوغان میخواهد انتخابات را ببرد اما فی الحال ترکیه را باخته است. حتی اگر در انتخابات اول نوامبر بتواند با جنایت و فضا سازی و مرعوب کردن مردم بعنوان برنده ظاهر شوند، حزب اسلامی عدالت و توسعه باید بداند که دیگر با این

ناپذیری خواهد کرد و شمره ای برایشان به بار نخواهد آورد. تاکیدات اخیر خامنه ای در راس آدمکشان اسلامی از این رو است.

اما هر دو جناح اشتباه میکنند، نه "کلید" معضلات رژیم اسلامی آنطور که جناح روحانی-رفسنجانی تصور میکنند در دست آمریکا است و نه آنطور که خامنه ای تصور میکند تدوام سیاست تاکنونی تضمینی برای بقاء حکومت اسلامی است. نه نقطه سازشی میان مردم و رژیم اسلامی قابل تصور است و نه شمشیر خونین جمهوری اسلامی کار آبی دوران گذشته خود را دارد.

واقعیت این است که نه جمهوری اسلامی خواستار بهبود زندگی اقتصادی مردم است و نه توان چنین کاری را دارد. نه رژیم اسلامی بدون

جنایت دوره اش تمام شده و مردم ترکیه آنرا به زیر خواهند کشید. ترکیه به دوره دیگری وارد شده است.

ما این جنایت هولناک را به شدت محکوم میکنیم. عوامل و ایادی این جنایت باید در دادگاه های صالحه به جرم جنایت علیه انسانیت محاکمه و مجازات گردند. ما خود را در سوگ مردم آزادیخواه ترکیه و بستگان از دست رفتگان در این جنایت شریک میدانیم و صمیمانه به

کشمکشهایی حاد و تکنهای شدید میتواند به چرخشی پایه ای در سیاست خود در قابل غرب نائل شود و نه اینکه چنین رژیمی با مختصات کنونی آن قادر است که به يك رژیم "متعارف" سرمایه داری تبدیل شود. و مهمتر: حتی اگر چنین تغییراتی را هم از سر بگذارند، مردم با آن به سازش نخواهند رسید. خواستها و مطالبات مردم عمیق و همه جانبه اند. برای تحقق این خواستهای پایه ای برای رسیدن به آزادی، برابری و رفاه همگان باید کل نظام سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه را سرنگون کرد. و این تنها کار جنبش کمونیسم کارگری در راس جنبش سرنگونی طلبانه جامعه است.

آنان تسلیت میگوییم. تشکیل يك قطب نیرومند چپ، آزادیخواه، برابری طلب و سکولار در ترکیه وظیفه ای مبرم در پیشبرد مبارزه برای سرنگونی حکومت جنایتکار ترکیه و ایجاد جامعه ای آزاد و برابر است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مهرماه ۱۳۹۴، ۱۱ اکتبر
۲۰۱۵

کمک مالی به

تلویزیون کانال جدید

به دلار کانادا:	
سعیده خانم	۵۰ دلار
محمود احمدی	۴۰ دلار
شراره	۵۰ دلار
علی جوادی	۲۰۰ دلار
زری اصلی	۵۰ دلار
مصطفی صابر	۱۰۰ دلار
سلیمان سیگارچی	۲۵۰ دلار

از انگلستان:	
سینا پلرام	۱۰۰۰ پوند
بهرام کلاهرزی	۱۷۲۰ دلار
بابک یزدی	۵۵۰ دلار
یلدی محمودی و سحر	۲۰۰ دلار
داود آرام	۱۰۰ دلار
محسن ابراهیمی	۵۰ دلار
امیر زاهدی	۵۰ دلار
محمد کاظمی	۵۰ دلار
فاتح بهرامی	۲۰۰ دلار
کیا صبری	۳۰ دلار
ایرج رضایی	۵۰ دلار
سعید دوستدار حزب	۲۰۰ دلار
آرش ناصری و سحر	۱۰۰ دلار

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

سلیمانیه به بغداد وصل میشود!

دنبال خیزش توده مردم عراق علیه دولت و دارودسته های اسلامی، هفته گذشته مردم کردستان عراق نیز علیه دولت اقلیمی به خیابانها آمدند. کردستان عراق از زمان جنگ خلیج تا امروز در تحت حاکمیت نیروهای ناسیونالیست کرد بوده است و اکنون توده مردم در اعتراض به فساد و دزدیهای دولت اقلیمی، نپرداختن حقوقها و دستمزدها و کلا شرایط سخت معیشتی که دولت اقلیمی به جامعه تحمیل کرده است بیجا خاسته اند. اما در اینجا هم مانند جنبش مردم در کل عراق مساله از فساد دولتی و شرایط سخت معیشتی فراتر میرود. در عرض ۲۵ سال گذشته کردستان عراق عرصه فعال مایشائی و افسارگسیختگی های احزاب قومی کرد (حزب بارزانی و طالبانی) و نیروها و احزاب اسلامی همپالکی آنها بوده است. گرچه کردستان عراق در مقایسه با بقیه ایالات این کشور از ثبات بیشتری برخوردار بوده است اما دولت اقلیمی کردستان نیز مانند دولت مرکزی عراق زیر سایه حمله نظامی آمریکا با قرار و مدار و تقسیم قدرت بین احزاب عشیرتی کرد و شرکای اسلامی شان سرهم بندی شد و لذا از همان آغاز تولد هیچ نشانه ای از مدنیت و دولت در یک جامعه مدنی، حتی به

معنی متعارف و بورژوائی کلمه، با خود نداشت. نوعی لویا جرگه کردی بر سر کار آمد و عقب مانده ترین قوانین و مناسبات را بر جامعه حاکم کرد. تنها تفاوت حکومت اقلیمی با حکومت افغانستان و یا حکومت مرکزی عراق در بیشتر بودن آلیاژ قومی آن در مقایسه با اسلامیت آنست. مردم عراق بیش از دو ماه است با شعار نه سنی، نه شیعه، جامعه سکولار و جامعه مدنی بمیدان آمده اند و امروز این حرکت انقلابی سراسری به کردستان عراق نیز گسترش یافته است. سلیمانیه و اربیل به بغداد و بصره می پیوندند چرا که خواست و هدف واحدی را دنبال میکنند: خواست خلاصی از شر دولتها و نیروهای مذهبی و قومی در حکومت و در جامعه!

مردم عراق امروز در پیشاپیش صف جنبش ضد مذهبی قرار گرفته اند اما این جنبش تنها به عراق محدود نیست. جنبش ضد مذهبی و سکولاریستی، از ایران تا افغانستان و لبنان و ترکیه و تونس و کردستان سوریه، در اشکال و عرصه های مختلف در جریان است. بمیدان آمدن مردم کردستان عراق این حرکت منطقه ای را بیش از پیش تقویت میکند و به پیش میراند.

۱۴ اکتبر ۱۵

جنگ نرم غرب و جنگ سخت مردم با حکومت!

"جنگ نرم فقط مخصوص ایران نیست، اما در موضوع ایران، هدف اصلی از این جنگ نرم فکر شده و حساب شده، استحاله جمهوری اسلامی ایران و تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر آن است."

خامنه ای

این عادت و سنت همه دیکتاتورهای عالم است که تنفر جامعه از حکومتشان را به گردن دشمنان خارجی بیاندازند. "جنگ نرم دشمنان برای تغییر سیرت حکومت" شکل ویژه و اسلامی این ترفند نخ نما شده دیکتاتورها در جمهوری اسلامی است!

منظور خامنه ای از جنگ نرم رویگردانی مردم از مذهب و استقبال آنان و بخصوص جوانان از

رکورد تازه دزدیهای حکومتی!

- جزء اسرار الهی است ولی آنچه روشن است، به گفته عضو کمیسیون کذائی مجلس "در این رابطه رقمهای بالایی تخلف شده است و به یک دکل و ۸۷ میلیون دلار ختم نمی شود!"

این تنها یک قلم از غارتها و دزدیهای نجومی باندهای مافیائی حاکم، بیت رهبری و سپاه و مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی و پادوهای مخفی و علنی شان است!

جمهوری اسلامی به اعتراف خود مقامات و کارشناسان رژیم با یک رکورد فلج کننده اقتصادی روبروست اما این وضعیت نه تنها مانع ثروت اندوزی نجومی باندهای حاکم نبوده است بلکه زمینه پول پارو کردن دار و دسته های حاکم، از طریق رانتخواری و ارز دو نرخ و بهره برداری از تحریمها و بازار قاچاق و اختلاس و غیره و غیره، را فراهم کرده است. این تنها کارگران و توده مردم کارکن و زحمتکش هستند که بهای این فلج اقتصادی را می پردازند. در نقطه مقابل این دزدیهای نجومی، تحرك و مبارزه هر روزه کارگران و معلمان و بازنشستگان و توده مردم کارکن در اعتراض به شرایط مشقت بار اقتصادی شان قرار دارد. هر خبر تازه ای در رونمائی دزدیهای حکومتی، عزم مردم را برای درهم شکستن ماشین غارت و چپاولی که جمهوری اسلامی نامیده میشود جزم تر خواهد کرد.

۱۴ اکتبر ۱۵

"دکلی گم نشده، پول دکل گمشده است!"

سایت مجلس

ماه ها پس از برملا شدن رسوایی گم شدن دکل های نفتی سایت مجلس اسلامی از قول یک عضو هیات رئیسه کمیسیون انرژی مجلس می نویسد:

"... اصلا دکلی تحویل نشده است که گم شود و به نوعی پول دکل گمشده و فقط روی کاغذ انجام شده است."

اخیرا شایع شده بود که دکل گمشده از مکزیک سر درآورده است و حالا مقامات اطمینان خاطر میدهند که اصلا دکلی در کار نبوده که گم شود! روی کاغذ قراردادی بسته اند و میلیونها دلار به جیب زده اند. ماجرا هم تنها به یکی دو دکل و ده ها و صدها میلیون محدود نیست. به نوشته سایت مجلس برای حدود هجده دکل نفتی قرارداد هنگفتی بسته شده است که سایتهای حکومتی مبلغ آنرا بین ۲۳۰۰ تا ۲۳۰۰ میلیون دلار ذکر میکنند! یعنی قرار بوده است از این طریق بیش از دو میلیارد تا دو تریلیون دلار (نزدیک به دو برابر تا هفده برابر درآمد سالانه کشور) به جیب بزنند! باور کردنی نیست ولی این مبلغی است که خودشان برملا کرده اند! اینکه این پروژه عملا تا کجا پیش رفته و ابعاد واقعی این دزدی چقدرست - مانند اسامی مسئولین و عاملین آن

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

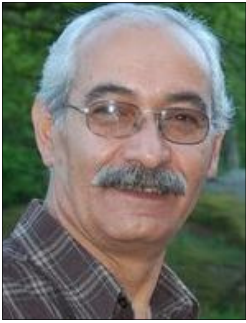
www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.INTERNASIONAL.COM

نشریه انترناسیونال:

۱۴ اکتبر ۱۵



یک پرسش از عبدال گلپریان:

درباره اوضاع سیاسی و اعتراضات در کردستان عراق

نسان نودینیان: اعتصاب و اعتراضات معلمان و کارکنان در شهرهای کردستان عراق ادامه دارد! اوضاع سیاسی با توقف برگزاری جلسات پارلمان اقلیم ملتهد و بحرانی شده! لطفا خوانندگان انترناسیونال را در جریان آخرین اعتراضات و تحولات سیاسی قرار دهید.

عبدال گلپریان: اعتصاب و اعتراض معلمان و دیگر اقشار جامعه کردستان عراق موضوع تازه ای نیست چرا که طی حاکمیت احزاب قومی اسلامی بر کردستان عراق، بخشهای مختلف جامعه کردستان مدام برای دست یابی به حقوق پایمال شده شان دست به اعتصاب و اعتراض زده اند. آنچه که تازگی دارد این است که طی چند هفته اخیر معلمان و دیگر کارکنان در شهرهای کردستان عراق برای بدست آوردن حقوق معوقه خود در سطح وسیع تری به خیابانها آمدند. عدم پرداخت سه ماه حقوق معلمان کاسه صبر آنان را لبریز کرده است. علاوه بر این مردم در سطح گسترده ای با کمبود خدمات ابتدایی و رفاهی نظیر، آب، برق، گاز و دیگر نیازمندیهای عمومی همچون خدمات پزشکی و درمانی روبرو هستند. مسئله مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم، مشکلی به قدمت حکومت اقلیم است. اوایل تابستان سال جاری این اعتراضات در بسیاری از شهرهای کردستان عراق بدلیل کمبود آب و برق از سر گرفته شد و طی هفته های اخیر و همزمان با بحران و بن بست حکومت اقلیم کردستان بویژه در رابطه با مسئله انتخاب رئیس حکومت اقلیم شدت بیشتری بخود گرفت. مردم بشدت از وضع موجود خسته شده و ناراضی هستند.

از طرف دیگر سران و کاربستان حکومت اقلیم متشکل از اعضای احزاب ناسیونالیست و اسلامی با بحرانهای عدیده ای روبرو هستند. این بحرانها که اساس آن به تقسیم ثروت و درآمدهای حاصله از فروش نفت و گمرکات و سهم خواهی برای پست و مقامهای متعدد حکومتی مربوط است، تا کنون قادر نشده اند بر این بحرانها فائق آیند. یکی از این بحرانها مسئله انتخاب رئیس حکومت اقلیم کردستان عراق است. مسعود بارزانی دو دوره و نیم یعنی مجموعاً ۱۰ سال ریاست حکومت اقلیم را برعهده داشته است. ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۵ ریاست دوساله آخر او نیز به پایان رسید اما حزب دمکرات کماکان تلاش میکند که با سازش و بده و بستان با دیگر احزاب پارلمانی، مجدداً و برای دو سال دیگر مسعود بارزانی در پست رئیس حکومت اقلیم باقی بماند. چهار حزب پارلمانی دیگر که عبارتند از، اتحادیه میهنی، حزب گوران، اتحاد اسلامی و کومه ل اسلامی، ضمن اختلافاتی که با هم دارند اما تقریباً در یک جبهه و در مقابل حزب دمکرات قرار گرفته اند. حزب گوران که در سال ۲۰۱۱ بر بستر اعتراضات عمومی مردم کردستان توانسته بود در انتخابات پارلمانی بعد از حزب دمکرات در رده دوم از نظر کرسی ها موقعیتی بدست آورد، بیشترین اختلاف را با حزب دمکرات دارد. این چهار حزب پارلمانی طرحشان این است که بارزانی باید کنار برود منتها با سازش و اینکه پست و اختیارات بیشتری نصیبشان شود با تمهید دوسال دیگر برای ریاست مسعود بارزانی مشکلی ندارند. حزب دمکرات میکوشد چهار حزب دیگر را برای تمهید ریاست مسعود بارزانی برای دو سال دیگر متقاعد

کند، اما خواهان کم کردن اختیارات اصلی او و تقسیم قدرت و ثروت با چهار حزب دیگر نیست. چهار حزب دیگر نیز با گرفتن پز مدافع قانون و اینکه وضعیت رئیس حکومت اقلیم باید در پارلمان تعیین تکلیف شود، ژستی "دمکراتیک و قانونمدارانه" بخود گرفته اند. اما واقعیت مسئله این است که ساختار حکومت اقلیم هرچند ظاهری قانونی با ادعای داشتن پارلمان و قانون اساسی را بخود میگیرد احزاب در کردستان عراق آنچه که موضوعیت نداشتند است همانا قانون و پارلمان دست ساز و کارتنی خودشان است. سنت این احزاب بر اساس سازش و بده و بستان بنا شده و شکل گرفته است که ریشه ای تاریخی تر دارد. اکنون بعد از اعتراضات دو هفته اخیر که موجب کشته شدن ۵ نفر، زخمی شدن ۲۳۴ نفر و به آتش کشیده شدن ۶ مقر حزب دمکرات شد، حزب دمکرات بارزانی حزب گوران را بعنوان عامل تحریک این وقایع معرفی کرده است و در همین رابطه نیروهای امنیتی حکومت اقلیم از ورود رئیس پارلمان که از اعضای رهبری گوران است و چند نفر دیگر از نمایندگان پارلمان برای برگزاری جلسه پارلمانی در اربیل جلوگیری کردند. حزب دمکرات معتقد است که پارلمان دیگر مشروعیت ندارد و از آنجا که حزب دمکرات بیشترین کرسی های پارلمانی را در اختیار دارد، بر بستر اوضاع بحرانی کنونی تهدید کرده است که پارلمان و دولت را ملغی خواهد کرد و کابینه جدید را بدون حضور گوران تشکیل خواهد داد. در حالی حزب دمکرات از عدم مشروعیت رئیس پارلمان و پارلمان کاغذی و دست ساز حکومت اقلیم سخن میگوید که نزدیک به دو ماه

است که دوران ریاست مسعود بارزانی به پایان رسیده است و "قانونا" مشروعیت خود را از دست داده است. رئیس پارلمان نیز در واکنش به جلوگیری نیروهای امنیتی از ورود او به داخل شهر اربیل آنرا کودتا نامیده. اکنون اختلافات بیش از پیش حاد شده است و هر یک دیگری را به فساد، دزدی، چپاول و غیره متهم میکنند. حزب گوران روز پنجشنبه ۱۴ اکتبر طی جلسه ای با سه حزب دیگر از آنان خواست که در حمایت از گوران دست از پستهای خود در بالاترین سطوح حکومتی دست بکشند اما هر سه حزب اتحادیه میهنی، اتحاد اسلامی و کومه ل اسلامی خواست گوران را رد کردند. آنچه که ممکن است در روزهای آینده بر بستر دعوای احزاب حکومتی روی دهد این است که، حزب دمکرات بارزانی بنا به اکثریت داشتن در پارلمان و بنا به اوضاع پیر تحول کنونی، گزینه هایی را برای خود دم دست گذاشته است. یکی از این گزینه ها جایگزین نمودن افراد دیگری از سه حزب دیگر پارلمانی برای پستهایی است که از گوران گرفته شده است باضافه ریاست پارلمان و اگر اوضاع متشجع تر شود ممکن است دولت و پارلمان را ملغی کند. اما در مقابل این سهم خواهی و تقسیم ثروت و قدرت در بالا، توده مردم ناراضی و معترض از حاکمیت بیش از دو دهه احزاب قومی اسلامی قرار دارند که کل حکومت اقلیم و همه احزاب شریک در قدرت را بانی و مسبب فقر و فلاکت و نا امنی در کردستان عراق میدانند. علیرغم تلاش حزب گوران که میخواهد فیگور اپوزیسیون بخود بگیرد و برای کسب موقعیت برتر بر اعتراضات و ناراضی مردم سوار

شود اما مردم کردستان عراق در سال ۲۰۱۱ یکبار نقش گوران را تجربه کردند و اینبار برای پایان دادن به حاکمیت دارو دسته عشایر و طوایف بارزانی، طالبانی و دیگر احزاب اسلامی، توهمی به گوران ندارند و این حزب را شریک در دزدی و غارت هستی مردم در حکومت میدانند.

هیچ دورانی همچون شرایط کنونی زمینه برای کنار زدن احزاب قومی اسلامی و ناسیونالیست در کردستان عراق فراهم نبوده است. همسرنوشتی مردم کردستان عراق با مردم عرب زبان در جنوب عراق که بیش از سه ماه است علیه دولت حیدرالعبادی و برچیدن بساط حاکمان دزد و فساد قومی اسلامی همچنان به تجمعات اعتراضی خود ادامه میدهند وجود دارد که هدف مشترک آنان یکی است. یعنی پایان دادن به حکومت مرکزی در عراق و کنار زدن احزاب ناسیونالیست و اسلامی در کردستان عراق.

اکنون بیش از سیصد جریان، تشکل، انجمن، نهادهای اجتماعی، سکولار و مدنی در شهرهای کردستان عراق فعالیت میکنند که میتوانند در سمت و سو دادن به حرکت اعتراضی مردم نقش مهمی ایفا کنند. تشکیل شوراهای توده ای و انتخاب نمایندگان واقعی مردم میتوانند در ظرفیت نماینده و سخنگوی حرکت اعتراضی مردم قد علم کند و با همت و حضور گسترده مردم، با اعتراضات خیابانی و اعتصابات سراسری، به بیش از دو دهه تباهی بر مردم کردستان عراق پایان دهد.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در مورد اعتراضات توده ای مردم کردستان عراق

حکومت کردستان عراق فاسد و شکست خورده است

حکومت سرهم بندی شده اقلیم کردستان عراق با سیاست و عملکرد خود اثبات کرده است که یک حکومت کارتونی، فاسد و قاتل مردم است.

تجربه این حکومت در مدت بیست و چهار سال عمر خود اکنون برای همگان اثبات کرده است که نه تنها ربطی به خواست و مطالبه مردم ستمدیده کردستان ندارد بلکه در مقابل و علیه مردم بیش از پیش قد علم کرده و مانع اصلی تحقق خواست های مردم است.

تظاهراتها و اعتصابات توده ای و هزاران نفره معلمان، کارمندان و پرسنل بیمارستانها و سایر حقوق بگیران زحمتکش کردستان که با خواست پرداخت سه ماه حقوق معوقه شروع شد، وارد دومین هفته خود شده است تاکنون نه تنها به مطالباتشان پاسخ داده نشده است بلکه شش نفر از آنها توسط نیروهای سرکوب حکومت به قتل رسیده و دهها نفر زخمی و صدها نفر دستگیری را به دنبال داشته است. این در شرایطی است که کارمندان این اقلیم نزدیک به چهار ماه است که حقوقشان پرداخت نشده است. حکومت اقلیم نان میلیونها انسان زحمتکش را گرو گرفته و اعتراض آنها برای دریافت حقوق ناچیزشان را با سرکوب پاسخ داده است.

در شهر قلاذزی و کلار تظاهر کنندگان را به گلوله بستند و یک نوجوان ۱۵ ساله دچار آتش سوزی شد. مردم و جوانان خشمگین که جان به لبشان رسیده است ضمن اعتراض خیابانی ابتدا مقرات حزب دمکرات بارزانی را که تمام دارایی و پول فروش نفت را در دست خود قبضه کرده است مورد حمله قرار دادند. اما در ادامه این اعتراضات روز شنبه دهم اکتبر در چندین شهر مردم تظاهر کننده آرم و تابلوی مقرات همه احزاب شریک در پارلمان را پایین کشیده و با این اقدام خود عملا اعلام کردند که همه احزاب ناسیونالیستی و احزاب اسلامی را در مقابل خود میبینند. فشار این اعتراضات صف حاکمان فاسد را

بیش از پیش دچار تشتت و در هم ریختگی کرد.

این اقدام مردم هشداری جدی به بقیه احزاب شریک در حکومت بود که قبلا سعی میکردند خود را مدافع تجمعات و مطالبات مردم و مخالف حزب بارزانی معرفی کنند. بعد از این اقدام مردم، همه احزاب ناسیونالیستی و اسلامی شریک در حکومت اعلام کردند که "تظاهرات خشونت آمیز" را تحمل نمیکنند. هنگامیکه همه احزاب در مقابل خواست و اراده مردم قرار گرفتند بارزانی فرصت را غنیمت شمرد و یک جانبه اعلام کرد که دولت و پارلمان حکومت تعطیل است، مگر اینکه رقبای او تسلیم خواسته های این حزب بشوند.

اولین خواست حزب بارزانی تشبیت موقعیت مسعود بارزانی در پست رهبری اقلیم کردستان است. احزاب رقیب اینرا نمیپذیرفتند. اما سیاست حزب بارزانی به همین جا ختم نمیشود. حزب تغییر (کوران) یکی از احزاب مزاحم بود که میخواست او هم شریک دزدیهای بارزانی بشود و به همین دلیل چند ماه قبل رقابت بر سر سهم خواهی این دو حزب به اوج رسید. بارزانی که نمیخواست شریک دیگری برای دزدیهای میلیاردری را بپذیرد روز دوشنبه دوازدهم اکتبر یک جانبه و از بالای سر همه احزاب و ارگانهای حکومتی، هم پارلمان هم دولت را تعطیل اعلام کرد و مانع رفتن رئیس پارلمان منطقه ای و وزرای کابینه متعلق به گوران به محل کارشان شد. حزب بارزانی طبق سنت دیرینه خود ضمن تایید و تاکید بر به گلوله بستن مردم و کشتن تظاهرات کنندگان، مردم معترض را "مخل نظم و امنیت ملی" اعلام کرد. کلمه رمز "مخل نظم و امنیت ملی" مثل همه دولتهای سرکوبگر یعنی همان امنیت سرمایه و ثروت سرمایه داران که در کردستان عراق شامل ثروت و سرمایه همه مقامات احزاب حاکم و نزدیکان آنها میشود. مردم خشمگین و جان به لب رسیده فریاد میزنند حقوقهایمان را پرداخت

کنید. پاسخ احزاب فاسد و مرتجع حاکم این است که آنها را به گلوله بیندید.

مردم ستمدیده کردستان، آزادیخواهان

ما از ابتدای سرهم بندی شدن این حکومت کارتنی آنرا حکومت دار و دسته های ناسیونالیست، مرتجع، غیر مسئول و سرکوبگران آزادی دانستیم و اینرا مسئولانه و بدون ملاحظه به مردم گفتیم. بیست و چند سال قبل گفتیم که اینها دار و دسته های فاسد و دزد و قاتل مردم هستند. اکنون خودشان رسماً در مقابل دوربین رسانه ها همین را به همدیگر میگویند. هر کدام از این احزاب طرف مقابل خود را فاسد و دزد و قاتل معرفی میکنند. نوشیروان مصطفی بارزانی را قاتل و دزد میخواند و

بارزانی مخالفین خود را به همین اعمال متهم میکند. همه آنها پذیرفته اند که حکومتشان نه دمکرات و مدافع آزادی، بلکه دیکتاتور و سرکوبگر است. روز یکشنبه ۱۱ اکتبر بارزانی نوشیروان مصطفی و اتحادیه میهنی را به کودتای پارلمانی متهم کرد و امروز اینها بارزانی را کودتاچی میخوانند. همه آنها درست میگویند. همه این دار و دسته های ناسیونالیست و اسلامی شریک در حکومت اقلیم، پیشینه ای بجز دزدی و سرکوبگری ندارند.

ما ضمن حمایت از مطالبات بر حق مردم کردستان عراق از آنها میخواهیم ضمن پیگیری خواسته ها و مطالبات خود برای حکومتی سکولار و مدرن، متشکل از نمایندگان واقعی خود بکوشند. با تشکیل شوراهای مردمی در محل

همایش هوناک شیرخوارگان حسینی

از صفحه ۳

کند، سفارتخانه هایش ردیف می کند تا بساط و امکانات کودک آزاری رسمی دولتی را پهن کنند. این رفتار فجیع با کودکان جزیی از سیاست کودک ستیزی سیستماتیک جمهوری اسلامی است. هر سال با اسمی و به مناسبتی این مراسم را برپا می کنند.

امسال در اوج بحران و کشمکش سیاسی و نظامی با حاکمیت عربستان سعودی کودکان شیرخوار نیز بازیچه و حربه ای برای مظلوم نمایی حکومتی اند.

هایی که به سبب سیاستهای جنگی و اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی دچار گرسنگی آشکار گردیده اند را با "طرح همسفره" میدهند. به همسایه میگویند، بغل دستی ات گرسنه است، بگنار با تو همسفره شو! این همه جهاد اسلامی با گرسنگی میلیونی است! بر سر دست گرفتن "علی اصغر" های نوزاد، را باید بر سر این حکومت خراب کرد. نباید اجازه داد نوزادان و کودکان شیرخوار وسیله بازی سیاسی حکومت اسلامی شوند.

کودک مذهب ندارد! هیچ فردی ولو سرپرست کودک حق ندارد کودکان را به دستجات و مراسم های مذهبی و سیاسی، امنیتی، نظامی و انتظامی بکشاند. اما جمهوری اسلامی خود رأساً عهده دار این رفتار فوق خشن اسلامی میشود. برایش طرح و بودجه می ریزد، وزارت خانه هایش را به خط می

کار و زیست، نمایندگان سراسری این شوراها باید اداره جامعه را در دست بگیرند. مردم کردستان لایق جامعه ای آزاد، برابر و سکولار هستند. مردم با اتکا به شوراها و نمایندگان واقعی خود میتوانند آزادی و رفاه عمومی و برابری سیاسی و اقتصادی واقعی برای همه شهروندان را به قانون آن جامعه تبدیل کنند و به حاکمیت یک مشت دزد و مرتجع و آدمکش ناسیونالیست و اسلامی پایان بدهند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ مهر ۱۳۹۴

۱۲ اکتبر ۲۰۱۵

این رفتار فوق خشن باید توسط نهادهای مدافع حقوق کودکان، یونیسف و امثالهم بعنوان جنایت جنگی علیه کودکان قلمداد شود. خواهان تعطیل شدن آن گردند. بویژه در خارج کشور برگزاری چنین مراسمی چه در مساجد تحت تسلط جمهوری اسلامی و چه در سفارتخانه هایش باید رسماً مورد تحقیق قرار گیرد و از انجام آن قویاً ممانعت شود و برگزار کنندگان در هر مقامی که هستند بعنوان کودک ستیزی تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند.



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, WA 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

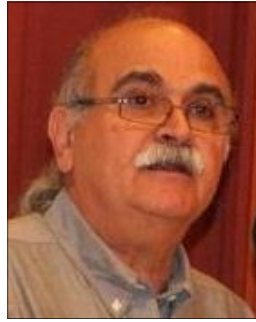
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۱۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



اسلام سیاسی استشمام میکنند در واقع چشم انداز شکل گیری يك انقلاب و جنبش توده ای - بقول خودشان فتنه ای بزرگتر از ۸۸- علیه حکومت و نیروهای اسلامی است. حتی تضعیف موقیعت منطقه ای جمهوری اسلامی نیز بیش از آنکه از توافق هسته ای ناشی شده باشد نتیجه سر بلند کردن يك جنبش وسیع سکولاریستی و ضد مذهبی، در لبنان و تونس و کردستان سوریه و ترکیه، و صریح تر و تعرضی تر از همه، در کشور عراق با شعار "نه شیعی نه سنی" و "حکومت سکولار، حکومت مدنی" است. آینده ایران و خاورمیانه را نه مناسبات بین دولتهای غربی و نیروها و دولتهای اسلامی و درجه دوری و نزدیکی آنها، بلکه مبارزه توده مردم علیه کل این نیروها رقم خواهد زد.

۱۶ اکتبر ۱۵

"بوی بد" نزدیکی با آمریکا!

حمید تقوایی

بی شك تضعیف موقیعت منطقه ای جمهوری اسلامی و کلا از دست رفتن جایگاهش در جنبش اسلام سیاسی يك نتیجه مستقیم مذاکره و توافق با آمریکا است اما این تمام مشکل حکومت نیست. مساله اساسی تر جمهوری اسلامی موقیعتش در خود ایران است. حکومتی که اساس هویت خود را ضد آمریکائی گری تعریف کرده نمیتواند هویتش را نفی کند و دچار تلاطمات شدید و زمین لرزه سیاسی نشود.

مشکل اصلی حکومت نه رابطه با غرب، بلکه رابطه اش با مردم ایران است. مردمی که به درست در عقب نشینی حکومت در برابر غرب و حتی گفتمان نزدیکی با آمریکا و کشاکش بین جناحهای حکومتی بر سر این مساله، ضعف و بی اعتباری جمهوری اسلامی را می بینند و علیه حکومت و قوانین و اخلاقیات اسلامی و برای تحقق حقوق انسانی شان در سطح وسیع تر و به شکل تعرضی تری دست به مبارزه میزنند. "بوی بد"ی که جمهوری اسلامی و متحدینش در جنبش

"مذاکره به پرستیژ انقلاب اسلامی نزد ملت ها لطمه میزند و اعتبار ایران در نزد آنان را از بین می برد و کشور ایران را در حد یکی از کشورهای کوچک و بی تأثیر منطقه تبدیل می کند. انتهای که مذاکره را «شجاعت دیپلماتیک» به حساب می آورند از این مطلب سخن نمی گویند که در عرصه بین المللی، آزادیخواهان و دوستان واقعی انقلاب اسلامی که صدیق ترین هواداران نظام جمهوری اسلامی می باشند، از نزدیک شدن ایران به آمریکا بوی بسیار بدی استشمام می نمایند."

از سر مقاله روزنامه کیهان بعد از تصویب برجام در مجلس بی اعتباری جمهوری اسلامی! این اساس معضل حکومت از برقراری رابطه با غرب است. تاکنون خامنه ای و دلواپسان و رسانه های وابسته به آنها نظیر کیهان شریعتمداری بارها در مورد از دست رفتن کیهان اسلام و انقلاب اسلامی و سیرت حکومت و غیره در اثر رابطه با آمریکا هشدار داده اند.

نزاع ها و کابوس ها

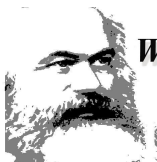
کاظم نیکخواه

کابوس و وحشتی که در این سخن موج میزند، ناشی از کل اوضاع جامعه و وضعیت نابسامان حکومت اسلامی است. نماینده خامنه ای قطعاً سال ۸۸ را بیاد می آورد که حکومت اسلامی با شعار مرگ بر دیکتاتور میلیونی مردم به لوزه مرگ افتاد، و فضای امروز جامعه را می بیند که نه فقط اکثریت مردم از حکومت و سرانش و بیش از همه از خامنه ای متنفرند، بلکه حتی در درون حکومت نیز شکاف و نزاع و بی اعتمادی به اوج خود رسیده به حدی که در مجلس اسلامی صالحی نماینده خامنه ای تهدید به مرگ میشود و از آن

علی سعیدی نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران در جریان مراسمی با عنوان "کنگره ملی سرداران ۲ هزار و ۴۰۰ شهید استان چهارمحال و بختیاری" که چهارشنبه ۲۱ مهر برگزار شد گفت: "اگر بنا باشد خواص و مردم رهبر را تنها بگذارند؛ یا رهبری مانند حضرت علی متزوی می شود، یا مانند امام حسین کشته و یا مانند امام زمان از چشمها غایب می شود." او در اشاره به اوضاع کنونی در ایران میگوید حوادث تاریخی قابل تکرار هستند و این اتفاق نیز میتواند در ایران بیفتد.



طرف ظریف و روحانی نیز هرروز نوکر و مزدور و خائن قلمداد میشوند و خامنه ای نیز مدام از توطئه هایی که در کمین حکومت است و میخواهند "سیرت" آنها زایل کنند حرف میزند. فضای گسترده خشم و اعتراض در جامعه و درهم ریختگی شدید در صفوف حکومت پیش بینی نماینده خامنه ای در سپاه را بسیار محتمل مینماید.



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
WPI Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود